

گزیده‌ای از سخنان

عیسی مسیح (ع)

- سؤال کنید که به شما داده خواهد شد، بطلبید که خواهید یافت، بگویند که در به روی شما باز خواهد شد. (متی ۷:۷)
- هرگاه آنانی را محبت نمایند که شما را محبت می‌نمایند چه اجر دارید؟ آیا باج‌گیران چنین نمی‌کنند؟ (متی ۵:۴۶)
- همچنین شما نیز چون به هر چیزی که مأمور شده‌اید عمل کردید گویند که غلامان بی‌منفعت هستیم. (لوقا ۱۷:۱۰)
- گمان میرید که آمده‌ام صلح و آرامش را بر زمین برقرار سازم؛ نه! بلکه شمشیر را. آمده‌ام تا مرد را با پدر خود و دختر را با مادرش [...] رویاروی سازم. و هرکه صلیب خود را برنگیرد و از پی من نیاید سزاوار من نباشد. (متی ۱۰:۳۵ و ۳۸)
- هیچ‌کس چراغی نمی‌افروزد تا آن را در پنهانی یا زیر پیمان‌های بگذارد، بلکه بر چراغدان، تا هرکه داخل شود روشنی ببیند. (لوقا ۱۱:۳۳)
- گنج‌ها به جهت خود در آسمان بیندوید، جایی که بید و زنگ زیان نمی‌رسانند و جایی که دزدها نقب نمی‌زنند و دزدی نمی‌کنند. (متی ۶:۲۰)
- هان! من شما را همچون میش‌ها به میان گرگان گسیل می‌دارم. پس مثل مارها هوشیار و چون کبوتران پاک‌دل باشید. (متی ۱۰:۱۶)
- وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که نعناع و شوید و زیره را عشر می‌دهید ولی اعظم احکام شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان

- را ترک کرده‌اید [...] * ای رهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید و شتر را فرومی‌برید. (متی ۲۳:۲۴-۲۳)
- لیکن ای دوستان! من به شما می‌گویم از قاتلان جسم که قدرت ندارند بیش از این بکنند ترسان باشید * بلکه به شما نشان می‌دهم که از که باید ترسید؛ از او بترسید که بعد از کشتن قدرت دارد که به جهنم بیفکند. (لوقا ۱۲:۵-۴)
- هر آینه به شما می‌گویم هر که ملکوت خدا را همچون طفل نپذیرد داخل آن نگرده. (لوقا ۱۸:۱۷)
- سبب (روز شنبه و مناسک خاص آن) برای آدمی مقرر شده‌است نه آدمی برای سبت. (مرقس ۲:۲۷)
- پس هرگاه هدیه‌ی خود را به قربانگاه ببری و آنجا به خاطر آید که برادرت بر تو حقی دارد هدیه‌ی خود را پیش قربانگاه واگذار و رفته و اول با برادر خویش صلح نما و بعد آمده هدیه‌ی خود را بگذران. (متی ۵:۲۴-۲۳)
- همانا شما ای فریسیان! بیرون پیاله و بشقاب را ظاهر می‌سازید ولی درون شما پر از حرص و خباثت است. ای احمقان! آیا آن که بیرون را آفرید درون را نیز نیافرید؟ (لوقا ۱۱:۴۰-۳۹)
- هر جا گنج توست دل تو نیز در آنجا خواهد بود. (متی ۶:۲۱)
- هیچ کس دو ارباب را بندگی نمی‌تواند کرد. (متی ۶:۲۴)
- پرهیزید از کاتبانی که خرامیدن در لباس دراز را می‌پسندند و سلام در بازارها و صدر کنیسه‌ها و بالا نشستن در ضیافت‌ها را دوست می‌دارند * و خانه‌های بیوه‌زنان را می‌بلعند و نماز را به ریاکاری طول می‌دهند. اینها عذاب شدیدتر خواهند یافت. (لوقا ۲۰:۴۷-۴۶)
- هر که از شما بزرگتر باشد خادم شما بُود. (متی ۲۳:۱۱)
- هر که خواهد خود را نجات دهد آن را هلاک سازد و هر که جان خود را به جهت من و انجیل فدا کند آن را برهاند. (مرقس ۸:۳۵)

- از در تنگ وارد شوید، زیرا دری که بزرگ و راهی که وسیع است به هلاکت منتهی می‌شود و کسانی که بدان داخل می‌شوند بسیارند. (متی ۷:۱۳)
- چون صدقه دهی دست چپ تو از آنچه دست راست می‌کند مطلع نشود. (متی ۶:۳)
- به‌راستی! به‌راستی تو را می‌گویم: تا کسی از نو زاده نشود، (حیات پاک و) ملکوت خدای را نتواند دید. (یوحنا ۳:۳)
- دو نفر یکی فریسی و دیگری خراجگیر به معبد رفتند تا عبادت کنند * آن فریسی ایستاد و با خود چنین دعا کرد: «خدایا تو را شکر می‌کنم که نه مثل سایر مردم طمّاع و ظالم و زناکارم و نه مثل این خراجگیرم. * هر هفته دو روز روزه می‌دارم و از آنچه به کف می‌آورم ده یک می‌دهم.» * اما آن خراجگیر که دور ایستاده بود، حتی یارای آن نداشت که چشمان خود را به سوی آسمان بلند کند بلکه بر سینه می‌کوفت و می‌گفت: «خدای من، رحم فرما بر گناهکاری که منم!» * شما را می‌گویم که این شخص در حالی به خانه خویش بازگشت که دادگر شمرده شده بود، به خلاف آن دیگری. زیرا هرکه خود را برافرازد سرفراز شده گردد و هرکس خویشتن را فروتن سازد سرفرازی یابد. (لوقا ۱۴:۱۰-۱۰)
- پس بیدار باشید زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحبخانه می‌آید * مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. (مرقس ۱۳:۳۶-۳۵)
- [...] مرا متابعت کن و بگذار که مردگان خود را دفن کنند. (متی ۸:۲۲)
- و چون تخم می‌پاشید قدری در راه افتاد و مرغان آمده آن را خوردند * و بعضی بر سنگلاخ جایی که خاک زیاد نداشت افتاده به زودی سبز شد چون که زمین عمق نداشت * و چون آفتاب برآمد بسوخت و چون ریشه نداشت خشکید * و بعضی در میان خارها ریخته شد و خارها رشد کرده آن را خفه نمودند * و برخی در زمین نیکو کاشته شده بار آورد،

بعضی صد و بعضی شصت و بعضی سی * هر که گوش شنوا دارد بشنود. (متی ۹:۱۳-۴)

□ آدمی را چه سود که تمام دنیا را به کف آرد و خویشتن خویش را بیازد؟ (مرقس ۸:۳۶)

□ به حق بگویمتان، کشت در دشت می‌روید نه بر روی سنگ خارا؛ همچنین حکمت در قلب متواضع شکوفان می‌شود نه در قلب متکبر جبار. (تحف العقول، ص ۵۳۸)

□ به حق بگویمتان، هر کس ماری را ببیند که به طرف برادرش می‌رود تا او را نیش زند و برادر خود را بر حذر ندارد و مار او را بکشد نباید خودش را از شرکت در خون او میرا بداند. همچنین هر که ببیند برادرش گناه می‌کند و او را از عاقبت آن بر حذر ندارد تا گناه او را فرا گیرد از شرکت در گناه وی بری نیست. هر کس بتواند جلو ستمگری را بگیرد و نگیرد همچون کسی است که مرتکب ظلم او شده باشد. چگونه ستمگر بهراسد با اینکه در میان شما آسوده زید و بازش ندارند و جلو او را نگیرند و دستش را کوتاه نسازند. با چنین حالی چگونه ستمگران کوتاه آیند و چگونه مغرور نگردند؟ آیا کافی است که هر فردی از شما بگوید «من خود ستم نمی‌کنم و هر که خواهد گو ستم کند و ستم ببیند» و جلو آن را نگیرد؟ اگر چنین باشد که شما می‌گویید، پس چرا وقتی در دنیا بر ستمگران کيفر و بلا می‌رسد شما نیز به همراه آنان مجازات می‌شوید در حالی که مانند آنها ستم نکرده‌اید؟ (تحف العقول، ص ۵۳۹)

□ چگونه پاکیزه شود جامه‌های چرکین کسی که آنها را نمی‌شوید؟ (تحف العقول، ص ۵۴۱)

□ خانه‌ی تاریک را چه سود که بر بامش چراغ افروزند و درونش وحشتناک و تاریک باشد؟! همچنین شما را چه حاصل که نور دانش در دهانهایتان باشد اما درونتان از آن تهی و بی‌بهره؟! [...] بشتابید و دل‌های سخت خویش را با حکمت نرم سازید پیش از آنکه گناهان بر آنها چیره آید و از سنگ سخت‌تر شوند. (تحف العقول، ص ۵۴۱)

□ به حق بگویمتان، همچنان که شخص بیمار خوراک خوب و لذیذ را می‌بیند ولی از درد شدیدی که دارد از آن غذا لذتی نمی‌برد، همچنین دنیا دار با وجود عشق به مال و ثروت از عبادت لذت نمی‌برد و شیرینی آن را نمی‌چشد. (تحف العقول، ص ۵۴۳)

□ آیا می‌شود از درختِ خار انگور چید؟ (تحف العقول، ص ۵۳۸)

□ به حق بگویمتان، هر که زراعتش را از علفهای هرز و جین نکند علفها زیاد شوند تا جایی که زراعتش را فرو گیرند و تباهش گردانند. (تحف العقول، ص ۵۴۵)

□ ای بندگان بدا! مردم را بر اساس گمان سرزنش می‌کنید و خود را با آنکه یقین [به بدی کردار خویش] دارید سرزنش نمی‌کنید؟ (تحف العقول، ص ۵۳۵)

□ خود را از علمای دروغین حفظ کنید؛ آنها که پشمینه پوشند و از راه تزویر سر به زیر نمایند تا خطای خود را صواب وانمود کنند. زیر چشمی نگاه کنند، نگاهی گرگانه، و گفتارشان با کردارشان مخالف است. (تحف العقول، ص ۵۳۸)

□ از خدا شرم ندارید که هیچ یک از شما نوشیدنی خود را گوارا ندانند تا از خاشاک پالایند، حال آنکه باک ندارید که مانند جنگلی از حرام را به کام فرو برید؟! (تحف العقول، ص ۵۳۷)

□ چگونه عیب چهره‌ی خود را ببیند کسی که در آینه ننگرد؟ (تحف العقول، ص ۵۴۲)

□ خوشا به حال آن که دیده‌اش را در دلش نهد و دل به دیده ندهد. (تحف العقول، ص ۵۳۷)

□ به عیبهای مردم چون خواجه‌گان منگرید بلکه به عیبهای ایشان چون بندگان بنگرید. (تحف العقول، ص ۵۳۷)

□ اگر یکی از شما بر برادرش گذر کرد و دید جامه‌اش از عورتش به کنار رفته‌است آیا بیشتر عریانش کند یا جامه بر او افکند؟ نه! بلکه شما او

را عریان‌تر می‌کنید؛ این مثل کسی از شماست که بر عیبی از برادرش مطلع شود و آن را نپوشاند. (تحف العقول، ص ۵۳۶)

□ با دشمن خویش به عدالت رفتار کنید و از آن که به شما ستم کرده‌است درگذرید، همچنانکه دوست دارید از بدی شما درگذرند. از عفو خداوند عبرت گیرید، آیا نبینید که خورشید خداوند بر نیک و بد شما می‌تابد و بارانش بر صالحان و خطاکاران فرو می‌بارد؟ (تحف العقول، ص ۵۳۷)

□ به حق بگویمتان، آتش در یک خانه می‌افتد و پیوسته از خانه‌ای به خانه‌ی دیگر سرایت می‌کند تا جایی که خانه‌های بسیاری را می‌سوزاند، مگر آنکه در همان خانه‌ی نخست جلو آتش را بگیرند. بدین سان است ستمگر [...] اگر آتش در خانه‌ی نخست چوب و تخته‌ای نمی‌یافت چیزی را نمی‌سوزاند. (تحف العقول، ص ۵۳۹)

□ وای بر شما ای دنیاپرستان! در تابش خورشید با خود چراغ حمل می‌کنید با اینکه روشنی آفتاب شما را بس است و چراغ را در تاریکی وامی‌گذارید حالی که برای آتش به شما داده‌اند. همچنین شما برای کار دنیا از پرتو دانش استفاده می‌کنید با اینکه دنیا برای شما ضمانت شده، اما استفاده از روشنی علم را برای آخرت واگذاشته‌اید حالی که برای آن به شما دانش داده‌اند. می‌گویید آخرت حق است و دنیا را آماده می‌سازید و می‌گویید مرگ حق است و از آن می‌گریزید و می‌گویید خداوند می‌شنود و می‌بیند و خوف آن ندارید که گناهان شما را در نظر گیرد. پس چگونه کسی که از شما بشنود باور کند؟ زیرا آن کس که ندانسته دروغ گوید معذورتر است از آن که دانسته دروغ گوید، هر چند هیچ عذری برای هیچ دروغی نیست. (تحف العقول، ص ۵۴۱)

□ هر نعمتی که از عهده‌ی شکرش بر نیایی چونان گناهی است که از آن بازخواست می‌شوی. (میزان الحکمه، ص ۶۸۹۷)

□ چه چیز تو را باز می‌دارد از اینکه برای هراسی که نمی‌دانی کی به تو می‌رسد آماده شوی؟ (مشکاة الانوار، ص ۳۰۵)